

مقایسه مقابله‌ای مضامین اجتماعی سخریه در شعر أحمد مطر و نسیم شمال

محسن خدابی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۵

محمد جنتی فر**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۷

چکیده

ادبیات تطبیقی و مقابله‌ای به رغم عمر کوتاه خود در مشرق زمین، در سال‌های اخیر رونق چشمگیری در حوزه نقد ادبی یافته است. امروزه با شکل‌گیری فضاهای دانشگاهی، تحقیقات جامع و دقیقی راجع به ماهیت نقد و انواع آن صورت گرفته است. کتاب‌ها و مقالات متعددی در این باره نوشته شده و به اقتضای آن در جهت مصداق‌یابی، آثار بسیاری از شاعران مورد توجه موشکافانه قرار گرفته است. امروزه نگاه‌های پژوهشگرانه بیش‌تر معطوف به یافتن وجوه تشابه بین آثار ادبی خلق شده در زوایای جهان ادبیات است. در همین راستا پژوهش‌های ارزشمندی به صورت تطبیقی و مقابله‌ای صورت گرفته است. جستار پیش رو با التفات به نظریات متعدد در باب نقد، به مقابله شعر نسیم شمال، شاعر عصر مشروطه و احمد مطر شاعر برجسته عراقی پرداخته است. از آنجا که هر دو شاعر با بکارگیری شیوه‌های مختلف طنز اعم از کنایه، تعریض، تلویح، نقیضه‌گویی و ... زبان به انتقاد علیه ناملایمی‌های روزگار خود باز کرده‌اند و شعر خود را صرف پرده برداشتن از ماهیت ظالمانه صاحبان و غاصبان قدرت نموده‌اند. کاری که برای هر دو شاعر به قیمت تحمل شکنجه‌های فراوانی تمام شده است. سعی شده مشترکات این دو مورد توجه و تحلیل قرار گیرد و راهکارهای هر دو در جهت مبارزه علیه استبداد و خودکامگی اربابان مورد نظر واقع گردد.

کلیدواژگان: سخریه، نسیم شمال، احمد مطر، نقد تطبیقی و مقابله‌ای.

مقدمه

بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی مقبول طبع مردم صاحب نظر شود

حافظ

شعر نوعی هنر است، اما اینکه این هنر تا چه اندازه بتواند قبول عام پیدا کند، موضوع دیگری است که در لایه‌های پنهان زندگی و شخصیت شاعر نهفته است. تاریخ شعر ثابت کرده همواره شاعرانی توانسته‌اند ماندگار بمانند که با درک مسائل روز و فهم سلوک ادبی روزگار، نماینده ذهن و نگاه جامعه خود بوده‌اند. شاعران همچون آیین‌های، بازتاب منش عصر خود هستند. «اندیشه و رفتار و شخصیت شاعران و نویسندگان مانند اعضای دیگر جامعه پرورش یافته و بازتاب دهنده ویژگی‌های فرهنگی و مبین رویدادها، ارزش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی است که در آن زندگی می‌کنند» (روح الامینی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

نسیم شمال و احمد ماطر هر دو از شاعرانی هستند که علاوه بر اینکه روح ادبیات را در بافت و جوهر شعری خود دارند، کلامشان را به کانون انتقاد علیه نابسامانی‌های تبدیل کرده‌اند. آنچه در شعر این دو شاعر نهفته، پیوند عمیقی است که موضوع و نگرش شعر با اراده مردم روزگار دارد و این همان هنری است که لازمه شعر است. «اگر انسان بدون اینکه دست به تلاشی زند یا موضع خود را تغییر دهد هنگام خواندن یا شنیدن هر اثر هنری، به تجربه یا حالتی ذهنی برسد که این حالت ذهنی او، هنرمند و دیگرانی را که از آن اثر هنری تأثیر پذیرفته‌اند متحد کند، این اثر یک اثر هنری درست به شمار می‌رود» (احسان، ۱۳۸۸: ۳۹). این هنری است که در شعر این دو شاعر به خوبی دیده می‌شود.

انتقاد همواره در بافت کلام شاعران متعهد به ادب و هنر اصیل در جای‌جای تاریخ ادبیات به چشم می‌خورد. اما اینکه یک شاعر تا چه اندازه شعر خود را به خدمت آرمان‌هایش در آورد اهمیت بسیار دارد. این پژوهش بر آن است تا با روشن‌سازی مفهوم ادبیات «تطبیقی» و «مقابله‌ای» ضمن شرح اوضاع سیاسی اقتصادی و فرهنگی ایران و عراق، مشابهت‌های کلام منتقدانه نسیم شمال و احمد ماطر را که با زبانی طنزآلود و کنایه آمیز به شکلی منتقدانه سخن می‌گویند؛ پیدا کند و در پایان با جمع‌بندی مشترکات نتایج بدست آمده را عرضه دارد.

هدف و پرسش تحقیق

در نگارش این مقاله آنچه به عنوان هدف مورد نظر بوده یافتن وجوه تشابه و هم‌صدایی و بررسی علل آن در شعر نسیم شمال و احمد مطر بوده است.

ادبیات مقابله‌ای یا ادبیات تطبیقی

بعضی منتقدان ادبی بر این باورند که اصطلاح «ادب تطبیقی» را نخستین بار ویلمن - نقاد فرانسوی - در سال ۱۸۲۸م در اروپا به کار برد. سپس سنت بوو - دیگر منتقد مشهور فرانسوی - آن را ترویج داد (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵). این نوع ادبی شاخه‌ای از ادبیات است که از روابط ادبی ملل و زبان‌های مختلف و از تعامل میان ادبیات ملت‌ها با یکدیگر سخن می‌گوید و به بررسی و تجزیه و تحلیل ارتباطها و شباهت‌های بین ادبیات، زبان‌ها و ملیت‌های مختلف می‌پردازد. گاهی میان دو شاعر بدون اینکه تعامل و اقتباسی صورت گیرد مشابهت‌هایی وجود دارد که بعضاً به اشتباه بدان نیز ادبیات تطبیقی گفته می‌شود. «بحث در مورد تشابه‌ها را نخستین محققان ما «ادبیات تطبیقی» می‌نامیدند ولی امروزه که پژوهش‌های ادبی پیشرفت کرده است نباید دچار چنین پنداری شد؛ بلکه باید برای این امر عنوانی خاص قائل شد و آن را «ادبیات مقابله‌ای» نامید که می‌توان آن را تکمله‌ای بر ادبیات تطبیقی نامید» (بهبودیان، پالیزبان: ۵۳). نقد مقابله‌ای همان است که در برخی از منابع به نام «مکتب آمریکا» شناخته می‌شود.

«قلمرو ادبیات تطبیقی شامل بررسی موارد مشابه در ادبیات کشورهای مختلف است. این مقایسه از دو جهت می‌تواند صورت گیرد: اول از حیث موضوع، دوم از حیث اندیشه و احساس» (همان: ۵۰). این نوع ادبی «از شاهکارهای نقد ادبی است که سنجش آثار، عناصر، انواع، سبک‌ها، دوره‌ها، جنبش‌ها، و چهره‌های ادبی و به طور کلی مقایسه ادبیات از مفهوم کلی آن در دو یا چند فرهنگ می‌پردازد» (قاسم نژاد، ۱۳۷۶: ۴۱). بنا بر آنچه گفته شد ادبیات تطبیقی یافتن تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها و ادبیات مقابله‌ای یافتن مشابهت‌ها و اشتراکات بدون اصرار تأثیر و ارتباط است. لذا پژوهش حاضر را بایست یک نوع نقد مقابله‌ای دانست.

پیشینه تحقیق

با مطالعه متون مرتبط و مراجعه به منابع، مراجع، و پایگاه‌های مربوطه مشخص شد که در مورد موضوع مورد بحث تا کنون پژوهش‌های پراکنده‌ای صورت گرفته است. از جمله پژوهش‌های مرتبطی که با موضوع مزبور یافت گردید عبارت‌اند از مقاله «مقایسه تطبیقی طنز سیاسی، اجتماعی در اشعار نسیم شمال و احمد مطر» تألیف کاظم عظیمی و فاطمه سیهوند و مقاله دیگری با عنوان «نگاهی تطبیقی به طنز سیاسی، اجتماعی نسیم شمال و احمد مطر» تألیف /براهیم اناری و سمیرا فراهانی و در زمینه اشعار نسیم شمال، مقاله‌ای تحت عنوان «تصویر جامعه در اشعار سیداشرف الدین گیلانی» توسط افسانه وارسته فر و همکاران تألیف گردیده و در آن سعی شده نگاه اصلاح‌گرای شاعر را در خلال سروده‌های منتقدانه نشان داده شود. «بررسی تصویر دشمنان ملت در اشعار کودکانه نسیم شمال» نام مقاله دیگری است که صادق زاده و تقوی شوادی در مورد سروده‌های دشمن‌ستیزانه او به چاپ رسانده‌اند. همچنین علی رضا عباسی مقدم در مقاله‌ای به نام «ویژگی‌های سبکی نسیم شمال» سبک و سیاق سروده‌های او را دسته‌بندی کرده است.

در مورد احمد مطر نیز پایان‌نامه‌ای به نام «بررسی افکار و اشعار احمد مطر» توسط شهرام قاضی زاده (۱۳۸۲) که در آن به سبک اشعار احمد مطر پرداخته شده انجام گرفته است. فرامرز میرزایی مقالات «زبان در گفتمان طنز احمد مطر» (۱۳۸۶) و «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» (۱۳۸۸) را به چاپ رسانده است. که در هر دو اثر با دقت نظر فراوان در اشعار احمد مطر از منظر فرم و موضوع به سروده‌های او پرداخته است. سید حسن حسینی مقاله‌ای تحت عنوان «احمد مطر شاعر خنده‌های تلخ» (۱۳۶۷) تألیف نموده و گونه‌های طنز در شعر او را استخراج کرده است. قاسم مختاری و همکاران نیز مقاله‌ای به نام «طنز سیاسی اجتماعی در اندیشه‌های عبید زاکانی و احمد مطر» (۱۳۹۲) چاپ کرده‌اند و به وجوه مشترک در شعر این دو شاعر پرداخته‌اند. این مقاله تنها به موضوعات اجتماعی مشترک هر دو شاعر می‌پردازد و شیوه تحلیل و نگاه آن نوآورانه است و از منابع دیگری استفاده شده است.

حیات ادبی و سیاسی دو شاعر

الف) نسیم شمال

سید / شرف‌الدین حسینی معروف به نسیم شمال در محرم یا صفر ۱۲۸۹ ق در قزوین زاده شد. برخی محل تولد او را رشت، به علت اقامت طولانی مدت در این شهر دانسته‌اند (محمدی، ۱۳۷۳: ۱۷). او در جوانی به عراق رفته و مدت کوتاهی در قزوین زندگی کرده است. تحصیلات خود را در زمینه فقه و اصول در عتبات گذرانده و بعد از ۵ سال به قزوین بازگشته است. بعد از آن به تبریز و سپس به گیلان رفته و در همان شهر روزنامه «نسیم شمال» را راه اندازی کرده است. پس از آن در سال ۱۳۳۳ به تهران رفته و روزنامه‌اش را به آن شهر منتقل کرده است. نقطه عطف زندگی او را مهاجرت به رشت و آشنایی با رهبران مشروطه گیلان دانسته‌اند. این آشنایی روزنامه و شعر او را به پایگاه اعتراض علیه معضلات اجتماعی تبدیل کرد. روزنامه «نسیم شمال» کانون انتشار سروده‌های طنز و منتقدانه او بود. شعر او به لحاظ ادبی نه چندان مطلوب اما از نظر اجتماعی از نمونه‌های برتر شعر معاصر است. در مورد هنر شعری او باید گفت او «از افکار حکما و شعرای قبل از خود الهام می‌گیرد و معانی ابداعی دیگران را به شیوه خود آرایش می‌دهد و بر آنها با الفاظ و کلماتی دیگر لباس نو می‌پوشاند و این هنری ذاتی و جوهری است که ابراز آن برای هر کسی مقدور نیست» (اصیل، ۱۳۸۲: ۹۲).

نیش کلام او تا بدانجا نافذ است که گویا در سال‌های پایانی عمر او را به بهانه ابتلا به جنون به اجبار به تیمارستانی در تهران منتقل می‌کنند. در نهایت سید / شرف‌الدین در روزهای پایانی سال ۱۳۱۲ ش در تهران از دنیا می‌رود و او را در قبرستان ابن بابویه به خاک می‌سپارند. غیر از روزنامه «نسیم شمال» که مهم‌ترین اثر اوست در سال ۱۳۳۸ هجری قمری بیست هزار بیت اشعار از او در دو جلد، به نام‌های «نسیم شمال» و «باغ بهشت» به چاپ رسیده است، دو اثر دیگر نیز به نام‌های «گلزار ادبی» و «عزیز و غزال» از او به چاپ رسیده است.

ب) احمد مطر

احمد حسن مطر در خانواده‌ای فقیر در روستای تنومه - یکی از نواحی شط العرب -

در استان بصره متولد شد. دوران کودکی‌اش را در روستای فقیرنشین زادگاهش گذراند. جایی که اگرچه زندگی مردمان آن همواره با رنج کاستی و مشقت فقر آمیخته بوده اما طبیعت بکر و محیط روستایی آن مطابق روح آزادی طلب و سرشار از عاطفه شاعر بود. طبیعی است که روح شاعری بدین ظرافت تحت تأثیر محیطی این چنین، بارور می‌گردد و شیفتگی را صدچندان می‌بیند.

پس از این دوران او به مطالعه کتاب‌های متعدد روی آورد و سرودن را با زبان آتشین ویژه خود آغاز کرد. ابتدا به سرودن قصیده پرداخت در این قصاید بر خلاف آنچه عرف فضای قصیده بود دست به مبارزه زد. پیش از آن «قصیده عادت کرده بود که خاضعانه به کاخ‌های توانگران راه یابد تا آن‌ها را مدح و ستایش کند تا وقتی / حمد مطر آمد و آن را تبدیل به چاقویی در پهلوی و تیری کرد که ناگهان توجه پاسبانان حاکمان جبار را به خود جلب کرد» (فواد، بی تا: ۳). او شاعر ترانه و تغزل نیست و دشنه‌های شعرش گرده اربابان قدرت را نشانه می‌رود. «و اینگونه شد که از همان آغاز جوانی، شاعر تبعید شناخته شد. شعرهایش او را از لذت وطن و زندگی در زادگاهش خیلی زود محروم کرد» (دلشاد و اشکوری، ۱۳۸۸: ۶۷).

مطر ابتدا از روی ناچاری به کویت فرار می‌کند و در آنجا نیز با فعالیت در نشریه «القبس» و آشنایی با کاریکاتوریست مشهور عرب ناجی علی دست از مبارزه با سلاح قلم برنمی‌دارد. کویت نیز برای او وطن مألوف نیست و مبارزه جویی‌های شعرگونه او، او را مجبور به گریز و اقامت در انگلیس می‌کند. مطر در سال‌های غربت در اروپا همچنان شاعری گویا و مبارز باقی می‌ماند. «حمد مطر شاعری سیاسی است و اشعارش با عنوان «لافتات» دارای مقام فکری - سیاسی علیه حکومت و با هدف کلی اعتراض و سرکوب نظام سیاسی سروده شده‌اند. در مورد وجه تسمیه این اشعار به پلاکاردها نظرات متعدد گفته شده است. / حمد مطر خود این پلاکاردها را حاوی اشعار انفجاری می‌داند. او در پاسخ یکی از خبرنگاران عرب که از او می‌پرسد: «تو یک رزمنده‌ای یا یک شهید زنده؟» می‌گوید: «من رزمنده‌ای هستم با چندین تن افکار انفجاری در اعماق وجودم. هر روز با این افکار خودم را به قصرهای ستمکاران می‌کوبم تا خودم و آن‌ها را یکجا منفجر کنم. اما اگر روزی بی‌فایده بودن آن بر من ثابت شود، در آن روز بعید نیست که آخرین

شعرم را با یک کامیون مواد منفجره بسرایم تا انفجار را و کیفیت آن را برای این حاکمان خفته جلوه‌گر سازم» (حسینی و بیدج، ۱۳۸۰: ۱۵۹). علاوه بر «لافتات» که اثر برجسته او به شمار می‌رود از / احمد مطر چهار مجموعه کوچک دیگر به چاپ رسیده است؛ دو مجموعه شعر عمودی به نام «العشاء الأخير لصاحب الجلالة ابلیس الأول» و دیگری به نام «ما أصعب الكلام» در رثای دوستش ناجی علی، و دو مجموعه شعر نو به نام‌های «دیوان الساعة» و «انی المشنوق اعلاه». هم اکنون که در سال ۱۳۹۶ این مقاله تحریر می‌شود در بستر بیماری است و روزهای سخت مبارزه با سرطان را در غربت سپری می‌کند.

اوضاع سیاسی - اجتماعی دو کشور در عصر دو شاعر

الف) ایران

وقوع انقلاب فرانسه و ایجاد حکومت‌های مردم محور در غرب رفته‌رفته بر مردم جوامع مشرق‌زمین نیز تأثیر گذاشت و زمینه وقوع تحولاتی را به یاری افراد تحصیل کرده فراهم آورد.

نقطه عطف این تحولات در ایران امضای فرمان مشروطیت در ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۹۰۶ م) به دست مظفرالدین شاه قاجار و تشکیل اولین مجلس ملی و تدوین قانون اساسی در همان سال است (ر.ک. کسروی، ۱۳۸۴: ۱۷۲). «انقلاب مشروطیت در نتیجه ظلم و فشار روزافزون شاه و شاهزادگان و حکام و مأموران دولتی به توده‌های مردم محروم به وجود آمد» (همان: ۷۴) به دنبال آن موجی از روشنفکری در ایران شکل گرفت که شکل‌گیری بستر لازم برای شناخت، آگاهی و انتقاد نسبت به مسائل روز را موجب شد. «سر برآوردن اندیشه‌های اجتماعی - سیاسی در واپسین سال‌های فرمانروایی ناصرالدین شاه و گسترش دامنه آن‌ها در سال‌های پس از آن که به تغییر نظام سیاسی کشور و پا گرفتن سلطنت مشروطه انجامید؛ پنجره تازه‌ای رو به هنر و ادبیات گشود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۱۴۲) و از پس آن «مفاهیمی متعالی‌تر نظیر آزادی، وطن‌دوستی، قانون‌خواهی، مورد توجه شعرا و نویسندگان قرار می‌گیرد» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۱۷). دیگر بساط محدودیت‌ها و فشارهای دوره ناصرالدین شاه به اتمام

رسیده و خطبه‌ها و سخنرانی‌های روحانیون و روشنفکران زمینه آگاهی و بلوغ را در جامعه فراهم می‌آورد. اما این هم مطابق خواسته طبع بلند نسیم شمال نبود. او ایران را هنوز در ویرانی می‌دید و نابرابری‌های اجتماعی را بر نمی‌تابید؛ از همین رو اگرچه طرفدار واقعی مشروطه بود اما سکوت در برابر نابرابری‌های جامعه را ناپسند می‌دید.

ب) عراق

«در طول سالیان دراز حاکمیت عثمانی بر عراق و بعد از آن حکومت‌های خودکامه پادشاهی تحت‌الحمایه دولت‌های مستبد کودتایی که به بهای حکومت خود توجهی به وضعیت معیشتی و فرهنگی مردم عراق نداشته‌اند موجب شد عراق در عقب ماندگی کامل به سر ببرد، نبود امنیت، آموزش، عدالت و آزادی و فقر را می‌توان دلیل این سخن دانست» (عزالدین، ۱۹۶۵: ۲۳). افزایش اخذ مالیات‌های دولتی مردم را در تنگنا قرار داده بود. جنگ‌ها و آشوب‌ها نیز تأثیر بسیار عمیقی در عقب ماندگی اجتماعی عراق داشتند. چهل بر کشور سایه افکنده بود و هیچ نظم و امنیتی برقرار نبود» (عزالدین، ۱۹۶۵: ۲۰). در کنار این «رخداد تراژیک فلسطین باعث شد دردهای مشترک و جمعی جایگزین غصه‌های شخصی به ویژه در شعر معاصر عرب شود، قیام ۱۹۵۲ مصر و گرایش بیش‌تر به رئالیسم اجتماعی، شکست حاکمان عرب از اسرائیل در ۱۹۶۷ (نک فرزاد، ۱۳۷۱: ۲۱)، نفوذ استعمار فرانسه و انگلیس از یک طرف و از طرف دیگر به قدرت رسیدن رژیم بعث وضع آزادی‌های ادبی و هنری را در کشور محدود کرده بود. از آنجا که «تمامی حاکمان مستبد بر آن‌اند که برای ادامه حکومت دیکتاتوری بر مردم باید افراد برجسته و آگاه به مسائل سیاسی و اجتماعی و نخبگان علمی را از میدان به در کرد» (معتضد، ۱۳۸۲: ۴۲۱).

برای ایجاد خفقان اجتماعی و سکوت اجباری روشنفکران هزینه‌های گزافی صورت گرفت. مشکلات معیشتی نیز که از سال‌ها پیش گریبان سرزمین‌های عربی را گرفته بود در این شرایط به وخامت اوضاع دامن می‌زد. بنابراین / احمد مطر در شرایطی دست به قلم شد که احوال سرزمین خود را تا بدین حد وخیم می‌دید.

موضوعات مشترک در شعر نسیم شمال و احمد مطر

بنا بر آنچه پیش از این گفته شد یافتن مشابهت‌ها، میان اثر دو شاعر یا نویسنده در حوزه ادبیات مقابله‌ای قرار می‌گیرد. در این بخش سعی شده موضوعات مشترک میان اندیشه و نگاه دو شاعر استخراج گردد که تأکید بر اشتراک موضوع و بیان‌های محتملاً متفاوت است.

موضوع دیگری که پیش از فهرست کردن مشابهت‌های موضوعی در شعر دو شاعر پرداخت بدان ضرورت دارد، شباهت‌هایی است که در زندگی دو شاعر، بل دو مصلح اجتماعی وجود دارد و در واقع علت طرح این مقاله قرار گرفته است. به عنوان مثال اوضاع سیاسی کشور محل زندگی در دوران حیات دو شاعر چندان مطلوب نیست. از یک طرف حکام وقت، جهت حفظ قدرت و تثبیت بقای خود سیاست‌های سختگیرانه‌ای را لحاظ کرده‌اند و از طرف دیگر بارقه روشنفکری که بیش‌تر تحت تأثیر سرزمین‌های دور و نزدیک، در کشور نفوذ یافته برای روشنگری جامعه مکفی نیست. چراکه آنچه تحصیل‌کردگان جامعه بدان التفات دارند، بیش‌تر تئوری‌های روشنفکرانه است و در جهت عملی کردن آن اغلب تلاشی صورت نمی‌گیرد. حال آنکه شعر این دو شاعر جوششی است که جامعه را به حرکت و اصلاح و فراتر از آن اعتراض و انتقاد وامی‌دارد و نهایتاً عرصه را بر اربابان قدرت تنگ می‌سازد. از دیگر وجوه اشتراک زندگی دو شاعر چنانکه گفته شد زندگی فقیرانه و مبارزه طلبانه است. همچنین روزنامه‌نگاری و استفاده از این ابزار برای انعکاس عقاید خود نیز از وجوه اشتراک دو شاعر به حساب می‌آید.

۱. وطن

از اصیل‌ترین موضوعات شعر اجتماعی قرن اخیر وطن و وطن‌دوستی است که به اشکال گوناگون در شعر شاعران اجتماعی این قرن نمود یافته است. اما یقیناً برای شناخت شعر هر دوره‌ای می‌بایست اوضاع و احوال آن را از خلال اسناد تاریخی جست. حیات شعری نسیم شمال مصادف بود با دوران پرآشوب «مشروطیت». «یکی از موضوعات اصلی شعر فارسی در عصر مشروطه «وطن» است که درک صحیح پیام شعر این دوره منوط به شناخت جایگاه آن است» (نیکوبخت و زارع، ۱۳۸۵: ۱۳۲). این بدان

معناست که بدون شناخت اوضاع سیاسی و اجتماعی یک عصر نمی‌توان به کنه آثار ادبی آن دوره پی برد. در این دوره به علت نفوذ استعمارگران خارجی تلاش رهبران آزادی خواه بی نتیجه ماند و حتی «وزارت و صدارت کارهای حساس دولتی به دست افراد بی‌اطلاع و نادان یا سودجو و مغرض می‌افتاد...، معاهدات و قراردادهای شرم‌آوری از طرف دولت ایران با دول خارجی بسته می‌شد» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۰). در همین دوره نسیم شمال آینده ایران را اینگونه آرزو می‌کند:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران ای نسیم می‌نماید شادمانی هر مسلمان ای نسیم
آفتاب معرفت گردد درخشان ای نسیم نورباران می‌شود این شهر تهران ای نسیم
(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۲)

و بر هیچ اهل قلمی پوشیده نیست که این آینده‌نگری کنایه‌آمیز در واقع نیشخندی است که جان صاحبان قدرت را نشان رفته است. او در شعر دیگری اوضاع کشور را اینگونه دردمندانه بیان می‌نماید:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا وطن ای در دهان گرگ اجل مبتلا وطن
ای یوسف عزیز دیار بلا وطن قربانیان تو همه گلگون قبا وطن
(همان: ۴۵)

احمد مطر نیز دوران پر آشوب شکل‌گیری حکومت بعث را در کشور خود به چشم می‌بیند. محدودیت‌ها نمی‌توانست با روح آزادی‌خواه و وطن‌دوست سازشکار باشد. او اندوه خود را نسبت به احوال وطنش اینگونه ابراز می‌دارد:

كلما فی بلدتی ملأ قلبی بالکمد
بلدتی غربة روح والجسد
غربة من غیر حد
غربة فها ملایین وما فیها أحد

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۸۸)

- هر چیزی در سرزمینم قلبم را آکنده از درد می‌کند؛ سرزمینم تجسم غربت و روح جسم من است؛ غربتی بی حد و مرز که در ظاهر میلیون‌ها نفر در آن حضور دارند اما در واقع یک نفر در آن یافت نمی‌شود

«وطن برای / احمد مطر بیانگر تمام عشق است، او بسیار از عشق به وطن دم زده است و آن به مثابه عشق اول است. زیرا وطن با پول خریدده نمی‌شود، وطن تاریخ یک ملت و گذشته و حال و آینده اوست» (سعدون زاده، ۱۳۸۸: ۵۹). در شعر زیر او با خلق فضایی تغزلی، وطن را معشوق قرار داده می‌گوید:

حِينَ أَطَالِعُ اسْمَهُ

تَنْطَفِي الْأَحْدَاقُ

وَحِينَ أَكْتُبُ اسْمَهُ

تَحْتَرِقُ الْأَوْرَاقُ

وَحِينَ أَذْكَرُ اسْمَهُ

يَلْدَعُنِي الْمَذَاقُ

وَحِينَ أَكْتُمُّ اسْمَهُ

أَحْسَ بَاخْتِنَاقُ

وَحِينَ أَنْشُرُ اسْمَهُ

تَنْكَمِشُ الْأَفَاقُ

يا للاسى مِنْهُ، عليه، دونه، فيه، به!

كَمْ هُوَ أَمْرُ شَاقٍ، أَنْ أَحْمِلَ الْعِرَاقُ

(مطر، ۲۰۱۱: ۲۲۷)

- وقتی نامش را می‌خوانم چشمانم بسته می‌شود/ هنگامی که نامش را می‌نویسم، کاغذها آتش می‌گیرد/ چون نامش را می‌برم زبانم را می‌سوزاند/ چون نامش را پوشیده می‌دارم احساس خفگی می‌کنم/ چون نامش را می‌گستریم جهان تنگ می‌شود/ چه اندوهی است از او، بر او، به خاطر او، در او، با او/ چقدر دشوار است که عراق را بر دوش کشم

اینگونه سرودها حس وطن‌دوستی و مبارزه‌طلبی را در مخاطب تقویت می‌کند. چیزی که به هیچ نحو خواسته قدرت‌های جبار نیست. او و دوستش، ناجی علی، به نماد مبارزه تبدیل شده‌اند. چنانکه حکومت از «پلاکارد»‌های او و کاریکاتورهای دوستش به وحشت

افتاده است. دوستش را ترور می‌کند و او نیز پس از فرار، بارها مورد سوء قصد قرار می‌گیرد. اما شعرهای او همچنان محرک مبارزه و آزادی‌خواهی است.

۲. فقر

در شعر اجتماعی معاصر یکی از پربسامدترین موضوعات تنگدستی آحاد جامعه است. بی‌شک شعر اجتماعی که واگویه اوضاع جامعه است از فقر غافل نمی‌ماند. نسیم شمال از شاعرانی است که می‌توان گفت عقبه شعر فارسی در بیان فقرزدگی آحاد جامعه و پرده‌برداری از شرایط دشوار زندگی مساکین جامعه چون او را سراغ ندارد. مجموعه اشعار او «در شرح احوال مردم ایران و طبقات فقیر و فرودست از زارع، و فعله و کاسب و توده جاهل و گمراه گرفته تا زنان مظلوم و دختران بی‌نصیب از تعلیم و تربیت، هرچه در ایران می‌گذرد در شعر و روزنامه او منعکس است» (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۸۴). اما تفاوت نگاه او با دیگر شعرای اینگونه سرا، این است که او درد را در لباس طنز عرضه می‌کند و این موجت التفات بیش‌تر مخاطب است.

رمضان آمد و در سفره زارع نان نیست در تن دختر او پیرهن و تنبان نیست
زن ارباب نشسته به سر بالش زر همه آن است که انصاف در این ویران نیست
(همان: ۲۳۱)

شیوه انتقاد او از اوضاع فقرزده جامعه با طنزهای تعریضی او همراه است. می‌توان گفت طنز او جدای از شوخی‌های معمول، چون هر شاعر طنزسرای دیگر که اوضاع اجتماع را اینگونه می‌بیند؛ بیش از آنکه خنده آور باشد موجب ملال است.

در سفره ارباب پر مرغ مسمن قرقاول و جوجه، غرقابه و روغن
مرغابی و اردک گردیده فسنجن با زمزمه‌ای قیمة گوید به متنجن
از ماهی آزاد لذت حالا وقته

(همان: ۳۲۱)

همین‌طور سروده‌های زیر که از نمونه‌های عالی برای نمایش روح دردمند او در قبال مشکلات معیشتی جامعه است. و همه این سروده‌ها با ظاهر خنده آور اما با روحی دردمند و باطنی جانگداز سروده شده است.

ما زارعین مظلوم هر روز در بلاییم گاهی به جنگ ارباب گه دست کدخداییم
پیغمبر مکرم آن هوشمند بارع فرمود حاصل زرع باشد حلال زارع
یعنی ز زارعین است محصول این مزارع ای دشمن پیمبر بزن بلا نبینی
(همان: ۲۲۷)

احمد مطر نیز که خود شاهد رنج‌ها و دشواری‌های زندگی فقیرانه مردم سرزمین خود است نمی‌تواند این رنج‌ها را نادیده بگیرد چنانکه از فحوای کلام و لحن گزنده زبان او آشکار است، مقصودش را همواره تعمداً با طنزی کنایه‌آمیز بیان می‌دارد:

نحن لسنا فقرا

بلغت ثروتنا مليون فقر

وغدا الفقر لذي امثالنا

وصفا جديدا للثراء

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۷۶)

- ما تهیدست نیستیم/ ثروت ما به نزدیک میلیون‌ها فقر رسیده‌است/ فقر در نزد مردمی چون ما توصیف تازه‌ای است از ثروتمندی
در شعر زیر شاعر علاوه بر انتقاد نسبت به فضای فقرزده جامعه، سیاست‌های استعماری حکام کشور را مورد اعتراض قرار می‌دهد. طبیعی است این افشاگری می‌تواند زمینه به پاخاستن مردم را در قبال هدررفت درآمدهای داخلی کشور فراهم آورد:

قَرَّرَ الحَاكِمُ إِصْلَاحَ الزَّرَاعَةِ

عَيَّنَ الفَلاحَ شُرْطِي مَرور

وابنه الفلاح بيّاعه فول...

قَفْزَةٌ نوعية في الاقتصاد

أصبحت بلدتنا الاولى

بِتَصْدِيرِ الجَراد

وبانتاج المجاعه

(مطر، ۲۰۰۱: ۴۸۳)

- حاکم قرارداد اصلاح زراعی را صادر کرد. کشاورز، مأمور راهنمایی و رانندگی شد. دختر کشاورز باقلا فروش شد. این جهشی اساسی در اقتصاد است. کشور ما در صادر کردن ملخ و تولید قحطی مقام اول را کسب کرد

۳. نکوهش مردم

از دیگر وجوه مشترک شعر نسیم شمال و احمد مطر انتقاد نسبت به رفتارهای غلط خود مردم است. برای همین هرگاه می‌بیند مردم به جای ایستادگی بر طبل تفرقه و نفاق می‌کوبند زبان به انتقاد باز می‌کند:

داد از نفاق ملت داد از نفاق ملت	وا حسرتا که اصلاح تبدیل شد به افساد
مهر و وفا و الفت یکباره رفت بر باد	قرآن و درس و توحید یکباره رفت از یاد
شرع شریف شد محو از انفراق ملت	داد از نفاق ملت داد از نفاق ملت

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۹۸)

احمد مطر در نکوهش مردم سرزمینش ید طولاتری دارد. در شعر او طیف عظیم رعیت نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرند. چراکه او معتقد است برای رهایی از دام ظلم بایست ایستادگی کرد. در شعر زیر او به طرزی نمادین می‌خواهد سکوت و ترس را به عنوان صفتی نکوهیده و ناپسند در میان اعراب معرفی کند.

فی مطار اجنبی
حَدَقَ الشَّرْطَى بِي
قَبْلَ أَنْ يَطْلُبَ أَوْرَاقِي
وَلَمَّا لَمْ يَجِدْ عِنْدِي لِسَانًا أَوْ شَفَهَ
زَمَّ عَيْنِيهِ وَأَبْدَى أَسْفَهَ
قَائِلًا أَهْلًا وَسَهْلًا يَا صَدِيقِي الْعَرَبِي

(همان: ۹۶)

- در فرودگاه کشور خارجی پلیس قبل از درخواست مدارکم به من چشم دوخت. چون زبان و لبی در من ندید چشمان خود را بست و با تأسف گفت: خوش آمدی دوست عربم!

چنانکه گذشت نسیم شمال از نفاق طلبی‌های عوامانه که در میان توده مردم رواج یافته شاکی است، و احمد مطر از سکوت و ترسی که بر مردم جوامع عرب حاکم است. بنابراین می‌توان گفت این دو شاعر که حرکت به سمت کمال را در اصلاح همه وجوه جامعه می‌بینند از نکوهش هیچ رفتار مخلی غافل نمانده‌اند.

۴. توجه به پیشرفت و تمدن

پس از مشروطه و به دنبال رفت و آمد مردم به اروپا و مشاهده پیشرفت‌ها و همچنین شکل‌گیری مدارس نوین در ایران و آشنایی بیش‌تر مردم با اصول کشورداری، التفات بیش‌تر به مراکز علمی و توجه به علوم و فنون نوین به عنوان یک ضرورت در جامعه شناخته شد. نسیم شمال در این شرایط حساس راه‌هایی از یوغ بندگی را تنها در علم‌آموزی و آگاهی می‌داند. در دیوان او توجه به درس و مدرسه در مسیر تحقق پیشرفت و عدالت بسیار به چشم می‌خورد. او معتقد است که تنها با گسترش حوزه علم و آگاهی است که می‌توان بر دیو جهل و خودکامگی غلبه کرد و از همین روی به کودکان توجه ویژه‌ای دارد و آنان را به علم‌آموزی تشویق می‌کند. برای نمونه:

ای پسر گر تو ز اوضاع جهان بی‌خبری روز و شب درس بخوان تا که نبینی خطری
از برای فقرا علم ندارد ضرری بعد از این دوره علم است نه چیز دیگری
(نسیم شمال، ۱۳۷۵: ۴۴۷)

این نگاه روشنفکرانه در اشعار احمد مطر نیز به وضوح دیده می‌شود. او معتقد است تا این شرایط بر جامعه حاکم است نمی‌توان به پیشرفت امیدوار بود. مطر به خوبی می‌داند فضای بسته سیاسی موجود نمی‌تواند شرایط فعلی را بهبود بخشد:

یُریدون منی بلوغ الحَضاره
وکل الدروب إلیها سدی
والخطی المستعاره

(مطر، ۲۰۰۱: ۲۶)

- از من حرکت به سمت تمدن را می‌خواهند. در حالی که همه درها بسته است و گام‌ها عاریتی است

همان طور که دیده می‌شود هم نسیم شمال و هم احمد ماطر جریان پیشرفت در کشورهای غربی را متوجه هستند. نسیم شمال راه رسیدن به پیشرفت را در مطالعه و تحصیل همگانی می‌بیند. احمد ماطر نیز با التفات به این مطلوب، دردمندانه مسیر نیل بدان را با توجه به وضع عقب مانده کشورش، بسته می‌داند.

۵. زمامداران

شاید پربسامدترین موضوع در شعر دو شاعر توجه به بی‌کفایتی و بی‌لیاقتی اربابان و زمامداران جامعه باشد. نسیم شمال با همان لحن کنایه‌آمیز خود بارها در اشعارش به نابرابری‌های اجتماعی که نتیجه بی‌مبالاتی و بی‌تفاوتی حاکمان و دیگر مسئولین حکومتی است تاخته است و همواره این طیف را مسئول مشکلات موجود می‌داند. در جامعه‌ای که زمامداران آن لیاقت حاکمیت ندارند؛ نمی‌توان تغییر فضای موجود را امیدوار بود. در واقع می‌توان گفت هر جا شاعری فضای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشور را مورد انتقاد قرار می‌دهد گویی بخشی از این انتقادات متوجه زمامداران است. پس تفکیک این نقد اگرچه ناشدنی است اما در این سرفصل وجوه انتقاد مستقیم به حکام در شعر دو شاعر مورد توجه قرار گرفته است:

خسرو ای که مالک رقابی / ای که با ما به قهر و عتابی / گر تو خایف ز یوم الحسابی / از چه داری به کشتن شتابی / چند گویی شها چون کنم من / نه‌رها جاری از خون کنم من / شهرها را چو هامون کنم من / خسرو کن ز قتل اجتنابی

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۳۲۴)

احمد ماطر شاید حتی بیش از نسیم شمال متوجه بی‌لیاقتی‌های موجود در نظام قدرت است و بارها و بارها در اشعارش به این گروه حمله کرده است. او فقر، عقب‌ماندگی، بیسوادی و همه مشکلات جامعه را نتیجه عملکرد ظالمانه زمامداران می‌بیند. در شعر زیر او حاکم را در کنار دزد قرار داده است:

اثنان فی أوطاننا

یرتعدان خیفه

من یقظة النائم

اللس والحاکم

(مطر، ۲۰۰۱: ۱۵۷)

- در کشورهای ما دو نفر از بیداری شخص خوابیده می‌ترسند: دزد و حاکم
در سروده زیر رهبری حکومت را به دست افرادی می‌داند که شرایط اسفباری را برای
جامعه رقم زده‌اند «إذا الضحایا سُئلت / بِأیِّ ذنبٍ قُتلت / لانتفضت اشلاوها وجلجلت / بذنب
شعبٍ مخلصٍ / لقائد عمیل» (همان: ۸۲): «اگر از قربانیان پرسیده شود به چه گناهی
کشته شده‌اند اجسادشان تکانی خورده جواب می‌دهند: به گناه ملتی ساده و بی‌آلایش
که سرسپرده رهبری مزدور بوده‌اند».

۶. استعمارستیزی

درک موقعیت‌های حساس تاریخی و شناخت مسائل مهم سیاسی یکی از
ضرورت‌هایی است که برای تصمیم‌گیری و روشن‌گری در میان عموم جامعه می‌بایست
بدان التفات تام داشت. در جریان دو جنگ جهانی خانمان سوز آلمان که به تقابل با دیگر
قدرت‌ها برخاسته بود به جبهه غارتگران سرمایه‌های ملی ایران اضافه شد. نظام حاکم
قدرت و درایت کافی جهت مقابله با این قدرت‌ها را نداشت. طبیعی است که در این
شرایط دردناک نسیم شمال را به افشاگری از خیانت‌ها و توطئه‌ها وادارد:

خاک ایران شده ویران ز سه فیل	روس فیل، انگلو فیل، آلمان فیل
دوش کردم به خرابات گذر	تا به قلیان زخم از بنگ شرر
مرشدی دیدم با بوق و تبر	پک به قلیان می‌زد و می‌خواند ز بر

خاک ایران شده ویران

(نسیم شمال، ۱۳۷۱: ۲۹۳)

همچنین او حضور بیگانگان در اداره کشور را با ارزش‌های ملی و نگرش ویژه خود
مغایر می‌بیند و معتقد است این حضور بیش از آنکه یاری‌دهنده باشد، مداخله‌جویانه
است. او در شعر زیر در اعتراض به حضور شاهزاده هنسس بلژیکی در ایران می‌سراید:

ایها الشهزاده هنسس السلام	شد طلای ما ز تو مس السلام
ملتی را خوار و مفلس کرده‌ای	بارک الله نقره را مس کرده‌ای

ترسم آخر دعوی شاهی کنی در خزانه هر چه می خواهی کنی

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۱۹)

احمد مطر نیز در شرایطی که وضع سیاسی کشورش را از یک طرف دستخوش سیاست‌های امنیتی صدم و رژیم بعث می‌بیند و از طرف دیگر پس از فروپاشی قدرت این رژیم شاهد رفتارهای بی‌اندازه مداخله‌جویانه قدرت‌های غربی است این شرایط را تحمل نمی‌کند و در شعری نمادین خطاب به مردان سرزمینش می‌گوید:

فلمن تصقل سیفک یا عباس؟

لوقت الشده

أصل سیفک یا عباس

(مطر، ۲۰۰۱: ۱۶)

- برای چه کسی شمشیرت را صیقل می‌دهی ای عباس؟ برای وقت سخت / صیقل بده شمشیرت را عباس

او در واقع علاوه بر اینکه نگران دخالت‌های بیگانگان است؛ از سکوت و بی‌تفاوتی مردان عرب نیز دلگیر است. در جای دیگری می‌گوید:

یعوی الکلّب

إن أوجعه الضرب

فلماذا لا يصحو الشعب...

الظل بساحتنا یسعی...

فلماذا نرفض ان نحبو؟

نحن نفوس

یأنف منها العار

ویخجل منها العیب

(همان: ۴۲)

- اگر ضربه‌ای سگ را به درد آورد پارس می‌کند. پس چرا مردم بیدار نمی‌شوند؟ خواری و ذلت در اطراف ما جولان می‌دهد. پس چرا بر نمی‌خیزیم؟ ما افرادی هستیم که ننگ و عار از ما دوری می‌جوید و عیب از ما خجالت می‌کشد

۷. دین و مذهب

دوره قاجار دوره تأثیرپذیری هرچه بیش‌تر فضای اجتماعی کشورهای شرقی از تئوری‌های اجتماعی، اخلاقی و بیش از همه عقیدتی غرب است.

تحت تأثیر تعاملات فرهنگی و رفت و آمدهای مردم و همچنین مطالعه آثار اندیشمندان غربی، رفته رفته بنای بلند نگرش‌های دینی که در طول قرن‌های اخیر بشکوه و سرفراز قامت راست کرده بود، تخریب می‌شد و علی‌رغم تلاش‌هایی که دین-گرایان و روشنفکران دینی برای تجدید حیات اعتقادات مردم انجام می‌دادند، سیر جامعه حرکت متفاوتی را تجربه می‌کرد. در این شرایط نسیم شمال، در کنار توجه به وخامت اوضاع اجتماع، آنچه را بیش از همه در سروده‌های خود منعکس ساخت، توجه به جایگاه فراموش شده احکام دینی و مذهبی است.

او در شعری به نام «القرآن یشکو إلی الله» نگرانی خود را از مهمل ماندن دستورات قرآنی اینگونه بیان می‌کند:

در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند حق مجازات شما را در قیامت می‌کند
آخر این قرآن همه وحی خدا اکبر است آخر این آیات روشن معجز پیغمبر است
این کلام الله امانت از رسول اطهر است هیچ کافر با امانت این خیانت می‌کند
در قیامت از شما قرآن شکایت می‌کند

(نسیم شمال، ۱۳۷۰: ۱۲۸)

در سروده دیگری با نسبت دادن مصیب/امام حسین(ع) با اوضاع و احوال کنونی جامعه، از ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی ترجیع بندی ساخته و در آن دردمندانه مردم را به آگاهی و ایستادگی فرا می‌خواند:

باز این چه غلغله است که در کشور جم است

قحط الرجال و فقر و فنا هر دو با هم است

اسباب تیره‌بختی ملت فراهم است

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

عالم در انقلاب ز جنگ مهاجمین

جان‌ها در اضطراب و اجل جسته از کمین

شد شهرها خراب و دل مرد و زن غمین

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین

بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است

(همان: ۱۵۹)

در مقابل / احمد مطر نیز «از نوعی فراخوانی شخصیت‌های دینی - مذهبی برای نشان دادن جهت‌گیری فکری خود استفاده کرده است. شخصیت‌های دینی و تاریخی چون / امام حسین (ع) و / بوذر که در گذر تاریخ به عنوان نماد و اسطوره ایثار، معنویت و ایمان و در مقابل فرعون و یزید که مظهر دنیاگرایی و ظلم هستند مورد اشاره قرار گرفته‌اند» (جبر شعث، ۲۰۰۲: ۳۶۴). او که حال و روز جامعه عرب امروز را در قهقرای آزادمنشی و نیک‌اندیشی می‌بیند،

در شعری بیانیه‌گونه، نگرش خاص خود و سیره ویژه شعرش را این‌چنین مطرح می‌-

نماید:

فإن خَيْرَ مَنْهَا اثْنَتَيْنِ

أَنْ أَعْنَى مُتْرَفَا عِنْدَ يَزِيدٍ

أَوْ أَصْلَى جَائِعَا خَلْفَ الْحُسَيْنِ

سَاصِلَى جَائِعَا خَلْفَ الْحُسَيْنِ

(مطر، ۱: ۲۰۰، ۸۸)

- اگر ناگزیر به انتخاب میان این دو شوم که با یزید در شادی آواز بخوانم یا با

حسین در حال گرسنگی نماز بخوانم، گرسنه با حسین نماز خواهم خواند

/ احمد مطر شاعر عقیده‌ها و استواری‌هاست. گویی هر جا نام شخص مبارزی است که

جان را در راه اهداف متعالی خود فدا می‌سازد شعر و نگاه / احمد مطر بدان وابسته و یگانه

است. در شعر زیر تلاش می‌کند نگاه مبارزه‌طلب خود را که برگرفته از حیات و ممات

بزرگوارانه شخص مبارزی همچون / بوذر است روشن نماید.

كان جاری مُلحدًا

لكنَّه يُومنُ جدًا

بأبی ذر الغفاری...
هذا رجل آمن بالله
وقد جاهد فی الله
بأمر الله

(همان: ۳۲۶)

- همسایه من ملحد بود اما به ابوذر غفاری ایمان داشت. ابوذر مردی بود که به خدا ایمان داشت و به فرمان خدا در راه خدا مبارزه می‌کرد علاوه بر این مطر برای اینکه بتواند لحن کنایه‌آمیزش را نافذتر کند به آیات و روایات نقب می‌زند. در واقع «با استفاده از تلمیح و تضمین قرآنی در جای‌جای اشعارش اندیشه‌های دینی را در جهت گفتمان غالب به کار گرفته است» (حاجتی، صفایی سنگری، ۱۳۹۳: ۵۷). او شعری را اینگونه می‌آغازد: «فی القرآن / تبت یدا ابی لهب» (مطر، ۲۰۰۱: ۸). این‌ها همه اشاراتی است که علاوه بر اینکه به هنر شعر تعالی می‌بخشد؛ چنانکه گفته شد به تعریض غاصبان قدرت را از مفاهیم قرآن دور شده معرفی می‌کند.

۸. وعده‌های دروغین

در عصر مشروطه ارتباط با جهان غرب و مقایسه نابرابری‌های موجود این شرایط را برای حاکمان فریبکار جوامع غربی دشوار کرده بود. به طوری که «خیلی راحت می‌توان جای پای آشنایی با تمدن غرب را ولو به صورت خام در شعر مشروطه دید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۷: ۴۷). این آشنایی موجب گردید تا روشنفکرانی مانند نسیم شمال و دیگران شرایط حاضر را برنتابند و در جهت مبارزه با آن بر آیند. در شعر زیر او وعده‌های دروغ انتخاتی را مورد نقد قرار می‌دهد.

می‌شوم شش روز دیگر من وکیل	غم مخور ای مستمند بی‌کفیل
توی مردم سرفرازت می‌کنم	من وکالت بی‌اجازت می‌کنم
هم عبا و هم قبایت می‌خرم	رخت می‌خواهی برایت می‌خرم
این وکالت چون که واجب می‌شود	بیش‌تر پول مواجب می‌شود

چون به مجلس من بیفتم در جلو تو بخور هر شب فسنجان با پلو

(نسیم شمال، ۱۳۷۱:۵۶۳)

احمد مطر نیز به وعده‌های دروغین انتخاباتی تاخته است. آنچه موجب خشم اربابان خواهد بود همین روشنگری‌هاست و از همین روست که مطر و نسیم شمال هر دو مورد خشم حکومت واقع شدند.

أین الرغیف واللبن

وأین تأمین السکن

وأین توفير المحن

وأین من وقر الدواء للفقير دونما ثمن

معدرة یا سیدی

وأین صاحبی حسن؟

(مطر، ۲۰۰۱:۱۶۱)

- نان و غذا چه شد؟/ تهیه مسکن، تهیه فرصت‌های شغلی کجا رفت؟ چه شد آنکه می‌خواست برای فقرا داروی مجانی تهیه کند؟ عذر می‌خواهم سرورم راستی حسن چه شد؟

نتیجه بحث

بررسی مشابهت‌ها و مشترکات دو اثر ادبی، در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه محیط‌های دانشگاهی قرار گرفته است. در بیش‌تر موارد هر نوع پژوهشی از این دست را مربوط به ادبیات تطبیقی قلمداد می‌کنند. اما به طور خلاصه می‌توان گفت اگر مشابهت‌های دو اثر نتیجه تأثیرگذاری شاعری بر شاعر دیگر باشد بدان ادب تطبیقی می‌گویند اما اگر مشابهت‌ها، تنها مشترکاتی برای اثبات ضمیر مشترک افراد بشر باشد در حوزه ادب مقابله‌ای قرار می‌گیرد. برخی صاحب‌نظران این نوع اخیر را تکمله‌ای بر ادب تطبیقی می‌دانند و تحت عنوان مکتب آمریکا نامگذاری می‌کنند. آنچه موجب تربیت شاعران انتقادی در جوامع مختلف می‌گردد، فضای اجتماعی سیاسی و فرهنگی خود جامعه است. نسیم شمال و احمد مطر هر دو در نتیجه وخامت اوضاع کشور قلم

انتقاد در دست گرفتند. در شعر نسیم شمال و احمد مطر موضوعات مشابهی نظیر توجه به وطن، گلایه از فقر و شکاف طبقاتی، استعمارستیزی، نقد حکام، توجه به تمدن و پیشرفت، نکوهش مردم، همراه با روحیه‌ای استکبارستیزانه با تکیه بر مؤلفه‌های دینی، به چشم می‌خورد.

هر دو شاعر در جهت تحقق آرمان‌های ملی و اسلامی، در کنار مردم قرار گرفته‌اند و در مسیر روشنگری افکار جامعه با اتکا بر قلم توانمند و با بهره‌گیری از زبان طنز گزنده خود در جهت نیل به مقاصد جامعه پیش‌قدم بوده‌اند.

بررسی زندگی و مشابهت‌هایی که در شعر و شخصیت شعری دو شاعر دیده می‌شود ثابت می‌کند مبارزه‌گری علیه حکومت‌های استبدادی در هر جغرافیایی از جهان هستی، یک گونه مؤلفه‌های نسبتاً واحد را سامان می‌دهد. یا به عبارت دیگر می‌توان گفت ادبیات مبارزه، می‌تواند بدون در نظر گرفتن مکان‌ها عقاید دو شاعر را به هم نزدیک کند.

کتابنامه

کتب فارسی

احسان، عباس. ۱۳۸۸ش، شعر و آیین (تئوری شعر و مکاتب ادبی)، ترجمه سیدحسن حسینی، تهران: سروش.

اصیل، حجت الله. ۱۳۸۲ش، برگزیده و شرح اشعار اشرف الدین گیلانی، تهران: نشر فرزانه.
آجودانی، ماشالله. ۱۳۸۲ش، یا مرگ یا تجدید (دفتری در شعر و ادب مشروطه)، تهران: نشر اختران.

حسینی، سید اشرف الدین. ۱۳۷۰ش، باغ بهشت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات رجیبی.
حسینی، سید اشرف الدین. ۱۳۷۱ش، کلیات جاودانه نسیم شمال، حسین نمینی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.

حسینی، سید اشرف الدین. ۱۳۷۵ش، کلیات سید اشرف الدین گیلانی، به اهتمام احمد اداره چی گیلانی، تهران: نگاه.

حسینی، سید حسن و بیدج، موسی. ۱۳۸۰ش، نگاهی به خویش، تهران: انتشارات سروش.
روح الامینی، محمود. ۱۳۷۵ش، نمودهای فرهنگی و اجتماعی در ادب فارسی، چاپ اول، تهران: نشر آگاه.

زرین کوب، حمید. ۱۳۸۵ش، چشم انداز شعر نو فارسی، تهران: توس.
زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۹ش، نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۷ش، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: نشر علم.

قاسم نژاد، علی. ۱۳۷۶ش، دانشنامه ادب فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
کسروی، احمد. ۱۳۸۴ش، تاریخ مشروطه ایران، چاپ پنجم، تهران: صدای معاصر.
محمدی، حسنعلی. ۱۳۷۳ش، شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، تهران: ارغنون.
مدنی، جلال الدین. ۱۳۸۳ش، تاریخ سیاسی معاصر ایران، چاپ دهم، تهران: دفتر انتشارات اسلام.
معتضد، خسرو. ۱۳۸۲ش، سقوط دیکتاتور (صدام از ظهور تا سقوط)، چاپ اول، تهران: البرز.

کتب عربی

احمد غنیم، کمال. ۱۹۹۸م، عناصر الابداع الفنی فی شعر احمد مطر، قاهره: مکتبه متبولی.
جبر شعث، احمد. ۲۰۰۲م، الاسطورة فی الشعر الفلسطینی المعاصر، فلسطین: مکتبه القادسیة للنشر والتوزیع.

عز الدين، يوسف. ۱۹۶۵م، **الشعر العراقي الحديث وأثر التيارات السياسية والاجتماعية فيه**، قاهره: دار القومية للطباعة والنشر.

فؤاد، محمد. بی تا، **الغضب والتمرد في شعر احمد مطر**، غزه: جامعة الاقصى.

مطر، احمد. ۲۰۰۱م، **الاعمال الشعرية الكاملة**، الطبعة الثانية، لندن: دار المحبين.

مطر، احمد. ۲۰۱۱م، **مجموعة الشعر**، بيروت: دار العروبة.

الوائلی، ابراهيم. ۱۹۷۸م، **الشعر السياسي في القرن التاسع عشر**، بغداد: مطبعة المعارف.

مقالات

دلشاد، جعفر و اشكوری، سيدعدنان. ۱۳۸۸ش، «اغتراب في شعر المهجر العراقي»، نشرية بحوث في اللغة العربية وآدابها، شماره ۱، اصفهان.

سعدون زاده، جواد. ۱۳۸۸ش، «مظاهر أدب المقاومة في شعر احمد مطر»، نشریه ادبیات پایداري، سال اول، کرمان.

فرزاد، عبدالحسين. ۱۳۷۱ش، «شعر معاصر عرب»، مجله ادبستان فرهنگ و هنر، ش ۳۱، صص ۲۲-۱۴.

موسوی، سیده‌هاشم. ۱۳۸۳ش، «بازتاب قشربندی اجتماعی در طنز نسیم شمال و افراشته»، مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، بهار و تابستان، صص ۱۸۱-۱۶۵.

نیکویخت، ناصر و زارع، غلامعلی. ۱۳۸۵ش، «وطن در شعر مشروطه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۵۴ و ۵۵، پاییز و زمستان، صص ۱۴۹-۱۳۲.

Bibliography

Ajodani, Mashalla (1382). *Death or modernity (Constitutional Revolutionary Poem)* Tehran: Akhtaran Publishing.

Ehsan, Abbas (1388). *Poetry and mirror (poetry theory and literary schools)* translated by Seyyed Hassan Hosseini, Tehran: Soroush.

Asil, Hojatollah (1382). *Selected and Explanation of Ashrafdin Giyani's Poems*, Tehran: Farzan Publishing.

Behbodan, Shirin, Palizban, Tahereh (Biyat). *The position of comparative literature in Persian language and literature.*

Hajati, Somayeh, Safai Sangari, Ali (1392). *Sociological analysis of poems of Ahmad Matar and Siavash Kasraei.*

Hosseini, Seyyed Ashraf Al-Din (1370). *Paradise Garden*, fifth Edition, Tehran, Rajabi Publishing.

Hosseini, Seyyed Ashraf Al-Din (1371). *Koliyat Javdana by Nasim Shomal*, second Edition, Tehran: Asatir Publishing.

- Hosseini, Seyyed Ashraf Al-Din (1375). Sayyid Ashraf Al-Din's main book. , accompanied by Ahmad Adarehchi Gilani, Tehran: Negah Publishing.
- Hosseini, Seyyed Hassan Bidj, Moses (2001). A Look at Yourself, Tehran: Soroush Publications.
- Rouholamini, Mahmoud (1375). Cultural and Social Figures in Persian Literature, First Edition, Tehran: Agah Publishing.
- Zarrin Kob, Hamid (2006). The Perspective of the new kind of Persian Poetry, Tehran: Toos.
- Zarrin Kob, Abdul Hossein (1369). Literary Criticism, Tehran: Amir Kabir.
- Shafiei Katkani, Mohammad Reza (2008). Persian Poetry Courses from Constitutionalism to the fall of the monarchy, Tehran: Alam Publishing.
- Ghasem Nejad, Ali (1376). Encyclopedia of Persian Literature, Ministry of Culture and Islamic Guidance: Tehran.
- Kasravi, Ahmad (2005). The Constitutional Revolution of Iran, Fifth Edition, Tehran: Sedayee Mo'aser Publishing.
- Mohammadi, Hasan Ali (1373). Contemporary Iranian Poetry from the time of Mohammad Taghi Bahar to the time of Shahrari, Tehran: Arghanon Publishing.
- Madani, Jalaluddin (2004). Contemporary political history of Iran, 10th edition, Tehran: Islamic publication office.
- Motazid, Khosrow (1382). The fall of the dictator (Saddam Hossein from the rise to the fall) First edition, Tehran: Alborz.
- Nikobakht, Naser, Zare, Gholamali (2006). Homeland in Constitutional Poetry, journal of the faculty of literature and humanities, vol: 54, p 55 spring & winter (the name of the book) pp 132 to 149.

Arabic References

- Ahmad Ghanim, Kamal (1998). Elements of artistic creativity in the poetry of Ahmed Matar, Matboli School, Cairo.
- Jabr.Sha's.Agmad.(2002). Myth in Contemporary Arabic Poetry. The school of Qadisiyah. Publication and distribution, office of Israa
- Ezoldin, Yousef (1965). Contemporary Iraqi poetry and the impact of political and social changes on it, National Printing and Publishing House, Cairo.
- Fouad, Mohammed, (Bita), anger and rebellion in the poetry of Ahmed Matar, University of Al - Aqsa, Gaza.
- Matar, Ahmad (2001). Full Works of Poetry, 2nd ed., Dar Al - Hobbeen, London.
- Matar, Ahmed (2011). Poetry Collection, Dar Alarobeh, Beirut.
- Waeli, Ibrahim (1978). Political Poetry in the Nineteenth Century, Knowledge Press, Baghdad.

Articles

- Sa'adounzadeh, Javad (1388). The manifestations of literature resistance in the poetry of Ahmed Matar. The journal of literature resistance, the first year. Iran, Kerman.
- Farzad, Abdolhossein (1371). Arab Contemporary Poetry, Prepared by Maliha Shamdani, magazine of culture and arts literature, num. 31, pp. 14 to 22.
- Mousavi, Sayed Hashem (1383). Reflection of social stratification in the satire of Nasim Shomal and Afrasht, Persian Language and Literature Magazine, university of Sistan and Baluchestan, Spring and Summer, pp. 165 to 181.